هزارتوی ذهن

نبرد رسانه‌ها در مغز ما

چگونه موج اخبار منفی می‌توانند روان ما را ویران کنند

مریم مرامی
کارشناس ارشد علوم شناختی

این روزها اخبار ســنگین بسیار ویرانگری وجود دارد. کارشناسان روان‌شناســی می‌گویند که باید محدودیت‌هــای خود را بدانید و اینکه چه زمانی باید گوشی را کنار بگذارید.

پیمایــش در رســانه‌های اجتماعی ایــن روزها می‌توانــد مانند یک کابوس باشــد. شما درمورد ترس و وحشت جنگ بین اسرائیل و حماس می‌خوانید و بعد درباره تنفر و انزجار جنگ بین اوکراین و روسیه مطالبی را می‌بینید. از ســوی دیگــر، در حال رصد آخرین اخبــار آب و هوایی ویرانگر هســتید. ممکن است احساس کنید همه چیز در حال فروپاشی اســت. البته این می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر سلامت روان شما داشته باشــد. شاید احســاس کنید در حال غرق‌شدن هســتید. شما نه‌تنها با اســترس‌های معمول زندگی روزمره -شغل، امور مالی، روابط شخصی- دســت و پنجه نرم می‌کنید، بلکه اکنون به جدی‌ترین مشکلاتی که دنیا با آن مواجه اســت فکر می‌کنید. الگوریتم‌های رســانه‌های اجتماعی به مناقشه‌برانگیزترین محتواها تمایل دارند، بنابراین این فیدها چیزهایی را به شــما نشان می‌دهند که شما را برانگیخته و باعث می‌شوند که نسبت به این مســائل واکنش نشــان دهید، به‌طوری‌که با اسکن وسواس‌گونه رســانه‌ها و گشــت‌وگذار در اخبار ناگوار، اضطراب و نگرانی شما افزایش می‌یابد. به گفته کارشناســان روان‌شناســی، این به یک مشــکل جدی تبدیل شــده اســت. مردم بیش از حد اخبار منفی را دریافت می‌کنند و ایــن نه‌تنها بر شــخص آنها تأثیر می‌گذارد، بلکه بــر کل جامعه تأثیر می‌گذارد. مردم می‌توانند برخی از اخبار بد را تحمل کنند، اما اگر اخبار بد بیش از اندازه باشد چه؟

اســترس، تدریجی و تصاعدی اســت. یک چیز باعث شروع استرس می‌شود و بعد یک چیز دیگر و باز یک چیز دیگر. ناگهان می‌بینید که در چرخه اســترس گرفتار شده‌اید، حتی زمانی که تلاش می‌کنید از اخبار بد در رســانه‌های اجتماعی دوری کنید باز هم استرس می‌تواند در طول روز ادامه داشته باشد.

انجام برخی از کارها که اســترس شــما را در لحظه افزایش می‌دهد، می‌تواند اســترس شــما را در کل روز هم افزایش دهد. دریافت بسیاری از اخبــار منفی می‌تواند حداقل برای مدتی باعث اضطراب و افســردگی شــود اما به احتمــال زیاد اضطراب، افســردگی و PTSD در افرادی که ســابقه تجربه آن شرایط را داشته‌اند، تشدید می‌کند. مردم اغلب به این دلیل که اتفاق بدی در حال رخ‌دادن اســت، می‌خواهند راهی برای رفع مشکلی که درمورد آن می‌خوانند، بیابند. هنگامی که ما در حال بررسی اوضاع هســتیم، به نوعی به دنبال حل مشــکل می‌گردیم. فکر می‌کنیم اگر چند پســت و چند مقاله بیشــتر بخوانیم، اگر اطلاعات بیشتری به دســت بیاوریم، شاید مشــکل را درک کنیم. این فقط بر خود فرد تأثیر نمی‌گذارد. وقتی تعداد زیادی از افراد اســترس اخبــار جهان را به‌طور هم‌زمان تجربه می‌کنند، این مســئله می‌تواند باعث شود که «به یکدیگر ضربه بزنند». ما ممکن اســت متوجه آن نباشــیم، کــه وقتی فردی در جایی به شــما بی‌ادبی کرد، شاید به این دلیل باشد که او مقالات خبری وحشــتناک زیادی خوانده اســت. اضطراب ناشــی از اخبار بد می‌تواند احساس ما را از آنچه در حال وقوع است منحرف کند. شما فکر می‌کنید که همه چیز و همه، بدترین هســتند اما ممکن اســت کمی از آن، روی شخص شما تأثیر بگذارد. شاید اخبار وحشتناک از سراسر جهان زندگی روزمره شــما را تغییر ندهد، مگر اینکه درمورد آنها مطالعه کنید و مهم است که تشخیص دهید چه زمانی از این چرخه خارج شوید.

مــا باید آگاه باشــیم، اما وقتی با آگاهی از گذشــته عبور می‌کنیم و احساس می‌کنیم تحت فشار قرار می‌گیریم و اغلب فلج می‌شویم و حس می‌کنیم که در معرض تهدید دائمی هستیم، همه اینها به‌وضوح به یک مکان منفی تبدیل می‌شــود. بخشــی از آنچه اتفاق می‌افتد اخبار منفی هســتند، بنابراین به ما این حس را می‌دهد که دائما در خطر هستیم و آسیب‌پذیر هستیم و دنیا مکان بسیار خطرناکی است.

افــراد برای حفــظ تعادل زندگی‌شــان باید قرارگرفتــن در معرض رســانه‌های اجتماعی و اخبار را محدود کنند. خوانــدن برخی از اخبار برای آگاه‌ماندن و بررســی آنچه مردم آنلاین می‌گویند اشکالی ندارد، اما اگر زیاده‌روی کنید ممکن اســت به شــما آسیب برساند. هنگامی که به اندازه کافی مطالعه کردید تا بدانید چه خبر اســت، به چیزهای دیگری فکر کنید که از انجام آنها لذت می‌برید و به شــما کمک می‌کند سلامت روان خود را حفظ کنید.

اگر احساس می‌کنید در اخبار غرق شده‌اید، لازم است که ارزش‌های خــود را در نظر بگیرید و اینکه چگونه می‌توانید بر اســاس آن ارزش‌ها در زندگــی روزمره خود عمل کنید. به این فکر کنید که می‌خواهید چه کســی باشــید و چه کاری را می‌خواهید انجام دهید. این می‌تواند ذهن شما را در زمانی که احساس غرق‌شدن می‌کنید، متمرکز کند.

اگر احســاس می‌کنید در حال حاضر کسی هســتید که نمی‌خواهید باشید، به کارهای کوچکی فکر کنید که می‌توانید انجام دهید تا به کسی که می‌خواهید باشــید، تبدیل شوید. در مورد کارهایی که می‌توانید انجام دهیــد تا به آن هدف نزدیک‌تر شــوید فکر کنید تا توانایی بیشــتری در کنترل استرس و احساس خوب ذهنی داشته باشید و در مورد کارهایی که می‌توانید برای کمک به حل مشکلاتی که نگران آنها هستید انجام دهید.

یک قدم از شــبکه‌های اجتماعی خود عقب‌نشــینی کنید. از گوشی خود یک قدم به عقب برگردید. یک قدم از عوامل استرس‌زا عقب‌نشینی کنید، چراکه چیزی که استرس‌زاست به‌زودی به شما آسیب می‌رساند.

اقدام موضعی درباره مســائلی که نگران آن هســتید می‌تواند به شما کمک کند ســلامت روانی خود را حفظ کنیــد، زیرا در غیر این صورت ممکن اســت مسائل، بسیار دور و دشــوار به نظر برسند. شاید نتوانید به جنگ پایان دهید، اما شــاید بتوانید به برخی از افراد جامعه خود کمک کنیــد یا جامعه خــود را وادار به انجام کاری کنید که به یک مشــکل بزرگ‌تر کمک می‌کند.

مردم از این شــرایط خسته و ناامید هستند. گاهی اوقات می‌خواهید تنها شوید و فقط به فکر خود و تسلی‌دهنده خود باشید ولی این بدترین کاری است که می‌توانید برای سلامت روان خود انجام دهید. برای حفظ ســلامت روانی خود ارتباط با مردم مهم اســت، گاهی می‌توانید با مردم ارتباط برقرار کنید و در همان زمان بخشی از راه‌حل یک مشکل باشید.

سازمان‌های زمین‌شناسی در دنیای مدرن

انتظارات، چالش‌ها و درس‌هایی از مفهوم ایرانی آن

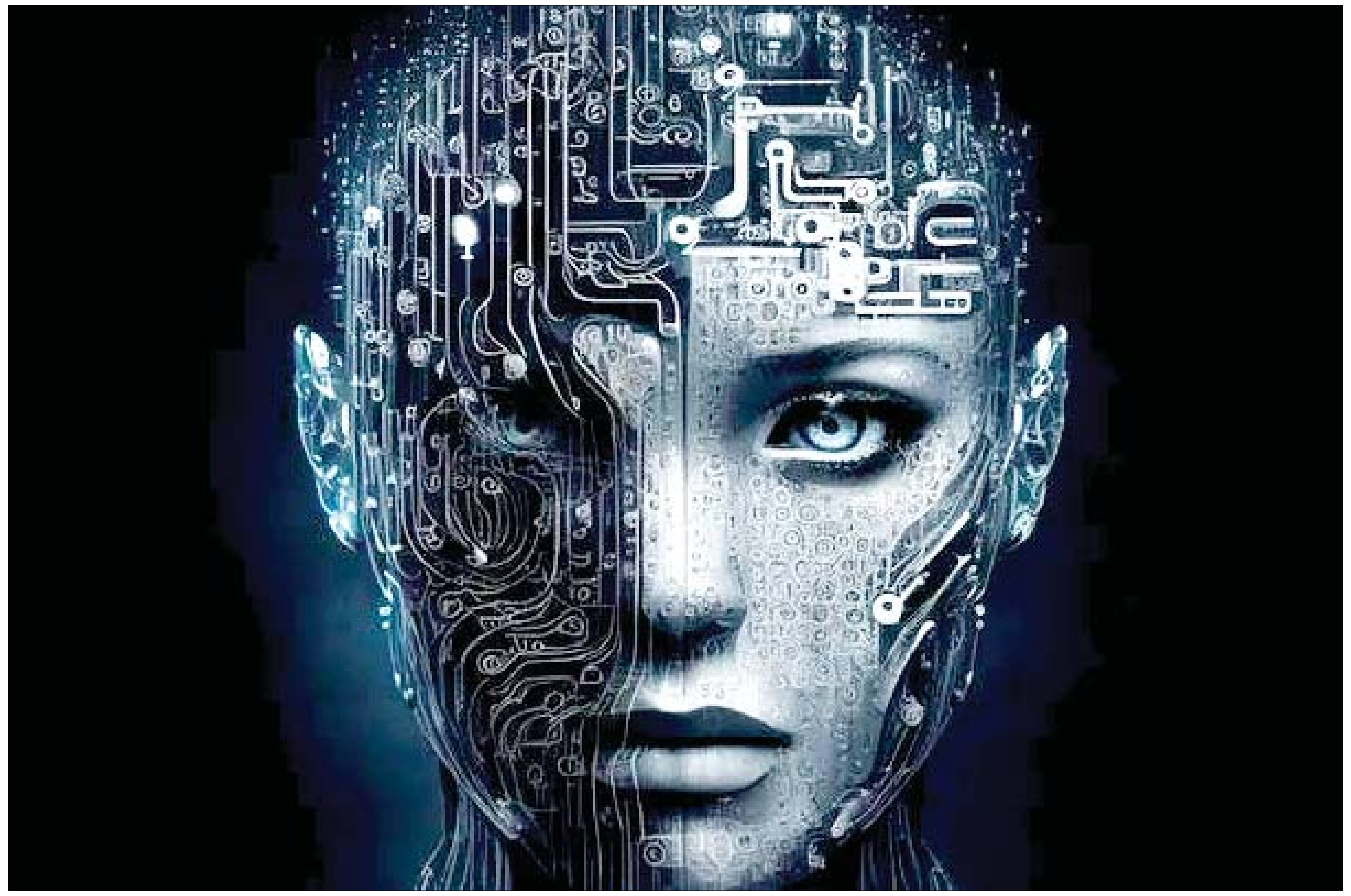

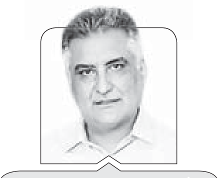

حمید نظری*

انتخاب موضوع و مصاحبه پیش‌رو به پشتوانه بیش از سه دهه فعالیت حرفه‌ای نویسنده در سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور و پژوهشکده علوم زمین با چت جی‌پی‌تی است که در اینجا با پیشنهاد او از آن با نام «لونا» (Luna) یاد شده است. در این مصاحبه انتظارات، اهداف و مأموریت یک سازمان زمین‌شناسی مدرن در جهان پیشرو را در هم‌سنجی با سازمان زمین‌شناسی ایران به‌عنوان نماینده‌ای از سازمان‌های وابسته و مصرف‌کننده بودجه و اعتبارات عمومی کشور از میان مجموعه دیگر سازمان‌های زمین‌شناسی شکل‌گرفته در جهان سوم به بحث گذاشته و پاسخ‌ها و دیدگاه‌های «لونا» درباره مجموعه بایدها و نبایدهای راهبردی علمی و مدیریت منابع انسانی و نقش مورد انتظار از سازمان‌های زمین‌شناسی در توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست، مدیریت منابع و کاهش مخاطرات زمین‌شناختی بررسی می‌شود. از این‌رو بیراه نخواهد بود که چه خوشایندی و چه ناخرسندی و دل‌آزردگی احتمالی ناشی از برخی دیدگاه یا تفاسیر ارائه‌شده در این سیاهه را از نظر حقوقی بیشتر متوجه «لونا» بدانیم تا نگارنده! به هر روی در این گزاره، چالش‌های پیش‌روی سازمان‌های زمین‌شناسی (مانند نورافکن روشنی‌بخش راه و آینده پیش‌روی کشورها و نه چون فانوســی دستاویز دولت‌ها با وابستگی‌های حزبی و جناحی) در سیستم‌های تمامیت‌خواه، جایی که ملاحظات سیاسی اغلب بر صلاحیت‌های حرفه‌ای برتری می‌یابد و در نتیجه منجر به چالش‌های مدیریتی و تضعیف اثربخشی و اعتبار سازمانی می‌شود از نگاه هوش مصنوعی بررسی شده و به تفکیک به گفت‌وگو واگذارده شده است. در طول بحث، بر اهمیت استقلال حرفه‌ای، یکپارچگی علمی و همکاری بین‌المللی برای چیرگی بر این چالش‌ها و انجام مأموریت سازمان‌های زمین‌شناسی با هدف و در راستای خدمت به منافع عمومی و ارتقای رفاه جامعه تأکید شده است. نیازها و خواسته‌های یک سازمان زمین‌شناسی را می‌توان به‌عنوان بایدها و خواست‌های اساسی که مأموریت، عملیات و اهداف آن را هدایت می‌کنند، تعریف کرد که دربرگیرنده رویکردهای گوناگونی است که به وظایف سازمان، ذی‌نفعان، منابع و اهداف آن پیوند می‌خورد:

۱- دانش و تخصص علمی: یک سازمان زمین‌شناسی نیاز به دسترسی به دانش، تخصص و روش‌های علمی به‌روز دارد تا وظایف اصلی خود را به طور مؤثر انجام دهد. این شامل تخصص در زمینه‌هایی مانند زمین‌شناسی، ژئوفیزیک، هیدرولوژی، سنجش از دور و علوم محیطی و همچنین مهارت در تجزیه و تحلیل داده‌ها، مدل‌سازی و روش‌های تفسیر است.

۲- ارزیابی و مدیریت منابع: محور اصلی مأموریت یک سازمان زمین‌شناسی، نیاز به ارزیابی، مدیریت و استفاده پایدار از منابع زمین‌شناسی مانند مواد معدنی، ذخایر انرژی، آب و زمین است. این شامل انجام بررسی‌ها، نقشه‌برداری و فعالیت‌های اکتشافی برای شناسایی پتانسیل منابع، ارزیابی ذخایر و اطلاع‌رسانی استراتژی‌های مدیریت منابع است.

۳- ارزیابی و کاهش خطر: ســازمان‌های زمین‌شناسی نقش مهمی در ارزیابی و کاهش خطرات و خطرات زمین‌شناسی مانند زمین‌لرزه، رانش زمین، فوران‌های آتشفشــانی و ســونامی ایفا می‌کنند. این امر مستلزم توانایی نظارت و تجزیه و تحلیل فرایندهای زمین‌شناســی، توسعه سیستم‌های هشدار اولیه و اجرای اقداماتی برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش انعطاف‌پذیری در برابر بلایای طبیعی است.

۴- حفاظت از محیط زیست: با توجه به رابطه نزدیک بین زمین‌شناسی و محیط زیست، سازمان‌های زمین‌شناسی مسئولیت حفاظت و حفاظت از اکوسیســتم‌های طبیعی، تنوع زیستی و سایت‌های میراث زمین‌شناسی را دارند. این شامل ارزیابی اثرات زیست‌محیطی، نظارت بر سطوح آلودگی و توسعه استراتژی برای اصلاح و حفاظت از محیط زیست است.

۵- برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌ها: بررسی‌ها و ارزیابی‌های زمین‌شناسی برای برنامه‌ریزی و توسعه زیرساخت‌ها از جمله طراحی و ساخت راه‌ها، پل‌ها، سدها و ساختمان‌ها ضروری است. سازمان‌های زمین‌شناسی اطلاعات ارزشمندی را در تخصص‌های زمین‌شناسی مهندسی و ژئوتکنیک فراهم می‌دارند تا اطمینان حاصل کنند که پروژه‌های زیربنایی برای مقاومت در برابر چالش‌های زمین‌شناختی و به حداقل رساندن خطرات طبیعی برای ایمنی جانی و اموال عمومی ساخته شده‌اند.

۶- آموزش عمومی و اطلاع‌رسانی: سازمان‌های زمین‌شناسی در آموزش عموم، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان درباره فرایندها، مخاطرات و منابع زمین‌شناسی نقش دارند. این شامل انتشار اطلاعات از طریق نشریات، کارگاه‌ها، سمینارها و کمپین‌های آگاهی عمومی برای ارتقای درک، دانش و تصمیم‌گیری آگاهانه مرتبط با زمین‌شناسی و پیامدهای اجتماعی آن است.

۷- همکاری و مشارکت: همکاری و مشارکت با سازمان‌های دولتی، دانشگاه‌ها، صنعت و سازمان‌ها و بنیادهای بین‌المللی برای موفقیت سازمان‌های زمین‌شناسی ضروری است. با تقویت همکاری، به اشتراک‌گذاری تخصص‌ها و استفاده از منابع، سازمان‌ها می‌توانند ظرفیت خود را برای رسیدگی به چالش‌های پیچیده زمین‌شناسی، دستیابی به اهداف مشترک و به حداکثر رساندن تأثیر آنها افزایش دهند.

در کشوری مانند ایران با برخورداری از منابع زمین‌شناسی قابل توجه و در مواجهه با چالش‌های گوناگون در مسیر توسعه، یک سازمان زمین‌شناسی می‌تواند انتظارات و مأموریت‌های متعددی با هدف کمک به تاب‌آوری ملی و توسعه پایدار داشته باشد. برخی از انتظارات و مأموریت‌های کلیدی برای سازمان زمین‌شناسی در ایران می‌تواند شامل سرتیترهایی مانند: «مدیریت منابع، ارزیابی و کاهش خطرات زمین‌شناختی، توسعه زیرساخت، حفاظت و مدیریت محیط زیست، پژوهش و نوآوری علمی» باشد. از این نگاه، انتظار و مأموریت یک سازمان حاکمیتی مانند سازمان زمین‌شناسی در ایران، بهره‌برداری از ثروت زمین‌شناسی کشور برای توسعه پایدار و در عین حال رسیدگی به چالش‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی است. سازمان با انجام این مأموریت‌ها می‌تواند نقشی حیاتی در ارتقای تاب‌آوری ملی و ارتقای رفاه جامعه ایران ایفا کند. به طور کلی، نیازها و خواسته‌های یک سازمان زمین‌شناسی درباره محور پیشرفت دانش علمی، مدیریت منابع زمین‌شناسی، کاهش خطرات، حفاظت از محیط‌زیست، حمایت از توسعه زیرساخت‌ها، آموزش مردم و تقویت همکاری است. با پرداختن به این نیازها و خواست‌ها، سازمان‌های زمین‌شناسی می‌توانند مأموریت خود را انجام دهند و به توسعه پایدار، تاب‌آوری و رفاه عمومی کمک کنند. در مقابل، مهم‌ترین چالش سازمان‌های زمین‌شناسی جهان سوم و در بزرگ‌مقیاس کشورهای در حال توسعه که با سیستم‌های اداری با تمایلات تمامیت‌خواهی و پیشرفت سریع فناوری در جهان آزاد مواجه هستند، در دو عامل «دسترسی به منابع و خودمختاری» و «شکاف فناوری و نوآوری» خلاصه می‌شود:

- **دسترســـی به منابع و خودمختاری:** سیســـتم‌های اداری توتالیتر اغلب منابع را به شدت کنترل می‌کنند و ممکن است برنامه‌های سیاسی را بر فعالیت‌های علمی اولویت دهند. سازمان‌های زمین‌شناسی برای عملکرد مؤثر نیاز به دسترسی به بودجه، تجهیزات، داده‌ها و پرسنل دارند. در چنین سیستم‌هایی، موانع بوروکراتیک، فساد و عدم استقلال می‌تواند مانع از توانایی بررسی‌های زمین‌شناســـی برای انجام مســـتقل و مؤثر کار خود شـــود. بدون منابع کافی و آزادی عمل، این نظرسنجی‌ها ممکن است برای همگام‌شدن با پیشرفت‌های فناوری و نوآوری در جاهای دیگر مشکل داشته باشند.

- **شـــکاف فناوری و نوآوری:** پیشـــرفت‌های روزافزون نوآوری و فناوری در جهان آزاد می‌تواند شـــکاف قابل‌توجهی را بین کشـــورهای توسعه‌یافته و درحال‌توسعه از نظر قابلیت‌های سازمان‌های زمین‌شناسی ایجاد کند. دسترسی به فناوری، نرم‌افزار و روش‌های پیشرفته برای انجام سازمان‌های زمین‌شناسی دقیق و جامع بسیار مهم است. بااین‌حال، در کشورهایی با سیستم‌های اداری تمامیت‌خواه، ممکن است سرمایه‌گذاری محدودی در تحقیق و توسعه، زیرساخت‌های فناوری و آموزش وجود داشته باشد. این امر می‌تواند منجر به افزایش نابرابری فناوری شود و رقابت سازمان‌های زمین‌شناسی در این کشورها در مقیاس جهانی یا حتی همگام‌شدن با پیشرفت‌های اساسی در این زمینه را چالش‌برانگیز کند.

سیستم‌های اداری توتالیتر دارای سازوکارهای متعددی هستند که از طریق آنها می‌توانند کارشناسان حرفه‌ای و متفکر را به کارکنانی بی‌انگیزه و مطیع تبدیل کنند:

- **کنترل و نظارت:** ســاختارهای توتالیتر اغلب کنترل شــدیدی بر جنبه‌های مختلف جامعه از جمله حوزه حرفه‌ای اعمال می‌کنند. این کنترل می‌تواند از طریق نظارت، سانســور و تهدید به مجازات برای مخالفان آشــکار شود. تحت چنین شرایطی، متخصصان ممکن اســت در بیان نظرات خود یا دنبال‌کردن ایده‌های نوآورانه‌ای که وضعیت موجود را به چالش می‌کشد، دچار محدودیت شوند.

- **مداخله فراسازمانی (سیاسی):** ساختارهای تمامیت‌خواه بیشتر وفاداری سیاسی را بر شایستگی حرفه‌ای ترجیح می‌دهند. این امر می‌تواند سبب‌ساز انتصاب افراد به سمت‌های کلیدی بر اساس وفاداری آنها به سیستم شود تا شایستگی یا تخصص آنها. حرفه‌ای‌هایی که مقاومت می‌کنند یا به عنوان بی‌وفا تلقی می‌شوند، ممکن است با تبعیض، تنزل رتبه، یا حتی آزار و اذیت مواجه شوند که منجر به فرهنگ همنوایی و اطاعت می‌شود.

- **فرصت‌های محدود برای پیشرفت:** در سیستم‌های توتالیتر، فرصت‌های پیشرفت شغلی ممکن است منوط به نشان‌دادن وفاداری باشد تا شایستگی یا موفقیت. این می‌تواند برای حرفه‌ای‌ها مانعی برای برتری یا ابتکار ایجاد کند، زیرا چشم‌انداز ارتقای آنها ممکن است بیشتر به ارتباطات سیاسی بستگی داشته باشد تا مهارت‌ها یا مشارکت‌هایشان.

- **محدودیت منابع:** ســامانه‌های توتالیتر ممکن است منابع را بر اساس ملاحظات سیاسی به جای اولویت‌های راهبردی یا نیازهای حرفه‌ای تخصیص دهند. این می‌تواند سبب کمبود بودجه یا تخصیص نادرست منابع برای سازمان‌های زمین‌شناسی، محدودکردن ظرفیت آنها برای انجام تحقیقات، خرید تجهیزات یا سرمایه‌گذاری در روزآمدی و توسعه حرفه‌ای شود.

کاهش عملکرد و اهداف سازمان‌های زمین‌شناسی مدرن در چنین شرایطی می‌تواند عمیق باشد:

- **ازدست‌دادن استعداد و تخصص:** متخصصان با استعداد ممکن است به دلیل ناامیدی از دخالت‌های سیاسی یا فرصت‌های محدود برای رشد حرفه‌ای سازمان را ترک کنند یا به حاشیه بروند. این ازدست‌دادن تخصص می‌تواند توانایی سازمان را برای انجام تحقیقات با کیفیت بالا، ارائه ارزیابی‌های دقیق یا توسعه استراتژی‌های مؤثر برای مدیریت منابع تضعیف کند.

- **نوآوری و خلاقیت سرکوب‌شده:** ترس از تلافی یا عدم حمایت از تفکر مستقل می‌تواند نوآوری و خلاقیت را در سازمان‌های زمین‌شناسی خفه کند. حرفه‌ای‌ها ممکن است تمایلی به پیشنهاد ایده‌ها یا رویکردهای جدید نداشته باشند، که منجر به رکود و ازدست‌رفتن فرصت‌ها برای پیشرفت فناوری یا اکتشافات علمی می‌شود.

- **کاهش اعتماد و اعتبار:** حمایت سیاسی در تصمیم‌گیری‌های استخدامی می‌تواند اعتماد و اطمینان به یکپارچگی و بی‌طرفی سازمان زمین‌شناسی را از بین ببرد. ذی‌نفعان، از جمله سازمان‌های دولتی، سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و مردم، ممکن است سازمان را مغرضانه یا سیاسی تلقی کنند و اعتبار آن را به‌عنوان منبع قابل اعتماد اطلاعات و تحلیل علمی تضعیف کنند. این از دست دادن اعتماد می‌تواند پیامدهای جدی برای توانایی سازمان برای جذب بودجه، مشارکت ایمن و تأثیرگذاری بر تصمیمات خط‌مشی ضروری برای پیشبرد توسعه اقتصادی داشته باشد. بدون تخصص مستقل و بی‌طرف، ارزیابی‌ها و توصیه‌های سازمان ممکن است مغرضانه یا غیرقابل‌اعتماد تلقی شوند و تأثیر و نفوذ آنها را کاهش دهند.

- **مدیریت ناکارآمد منابع:** تخصیص منابع بر اساس ملاحظات سیاسی به جای نیازهای حرفه‌ای می‌تواند منجر به ناکارآمدی و سوءمدیریت در سازمان‌های زمین‌شناسی شود. پروژه‌های حیاتی ممکن است کم‌بودجه یا به تعویق بیفتند، در حالی که منابع ممکن است برای ابتکارات با انگیزه سیاسی با ارزش علمی یا اقتصادی محدود تلف شوند.

اســتخدام گزینشی کارکنان در یک سازمان زمین‌شناســی بر اساس معیارهای غیرحرفه‌ای و غیرعلمی مانند وابستگی‌ها و توصیه‌های سیاسی می‌تواند اثرات مخرب متعددی بر توانایی سازمان در انجام مأموریت خود در کمک به توسعه اقتصادی کشور داشته باشد.

- **تضعیف تخصص و شایستگی:** زمانی که تصمیمات استخدام بر اساس وابستگی‌های سیاسی و نه صلاحیت‌ها و تخصص‌های حرفه‌ای اتخاذ می‌شود، سازمان در معرض خطر آوردن افرادی است که فاقد مهارت‌ها و دانش لازم برای ایفای مؤثر نقش‌های خود هستند. این می‌تواند منجر به نیروی انسانی شود که برای انجام وظایف حیاتی مانند بررسی‌های زمین‌شناسی، ارزیابی منابع و تجزیه و تحلیل ریسک، مجهز نیست و در نهایت مانع از توانایی سازمان برای مشارکت معنادار در توسعه اقتصادی می‌شود.

- **کاهش نوآوری و بهره‌وری:** استخدام انتخابی بر اساس توصیه‌های سیاسی می‌تواند فرهنگ انطباق و متوسط را در سازمان ایجاد کند، جایی که کارکنان بیشتر بر جلب رضایت حامیان سیاسی تمرکز دارند تا نوآوری و دستیابی به برتری در کارشان. این می‌تواند خلاقیت را سرکوب کرده، پذیرش فناوری‌ها و روش‌های جدید را محدود کند و بهره‌وری کلی را کاهش دهد و در نهایت مانع از ظرفیت سازمان برای ایجاد بینش‌ها و راه‌حل‌های ارزشمند برای رشد اقتصادی شود.

- **ترویج فساد و سوءمدیریت:** شیوه‌های انتخابی استخدامی بر اساس گرایش‌های سیاسی و عقیدتی می‌تواند فرصت‌هایی را برای فساد و سوءمدیریت در سازمان ایجاد کند. کارمندانی که از طریق حمایت سیاسی منصوب می‌شوند ممکن است منافع شخصی یا سیاسی را بر مأموریت سازمان اولویت دهند که منجر به ناکارآمدی، طرفداری و سوءاستفاده از منابع شود. این می‌تواند منجر به هدررفت وجوه مالیات‌دهندگان، به خطر افتادن نتایج پروژه و از دست رفتن فرصت‌ها برای پیشرفت اقتصادی شود.

- **محدودکردن همکاری و مشارکت:** نیروی کاری که عمدتا از طریق توصیه‌های سیاسی استخدام می‌شود ممکن است فاقد ارتباطات، تخصص و اعتبار لازم برای تقویت همکاری و مشارکت با سایر سهامداران درگیر در طرح‌های توسعه اقتصادی باشد. این می‌تواند توانایی سازمان را برای استفاده از منابع خارجی، دسترسی به بازارهای جدید و مشارکت در ابتکارات استراتژیک که نیاز به همکاری بین‌رشته‌ای و اقدام جمعی دارد، مختل کند.

به طور خلاصه، استخدام گزینشی کارکنان در یک سازمان تخصصی و «حاکمیتی» همچون سازمان زمین‌شناسی بر اساس معیارهای غیرحرفه‌ای و غیرعلمی، به‌ویژه گرایش‌های سیاسی، می‌تواند اثرات ویرانگر قابل‌توجهی بر ظرفیت سازمان برای انجام مأموریت خود در حمایت از توسعه اقتصادی در دیده‌بانی راهبردی از منافع ملی کشور داشته باشد. این شیوه‌ها با تضعیف تخصص، نوآوری، اعتماد و همکاری، در نهایت توانایی سازمان را برای ایجاد بینش‌های ارزشمند، اطلاع‌رسانی در تصمیم‌گیری و کمک به رشد اقتصادی پایدار تضعیف می‌کنند. تحمیل سیستم‌های اداری تمامیت‌خواه می‌تواند کارشناسان حرفه‌ای و متفکر را از طریق کنترل، مداخله سیاسی، فرصت‌های محدود و محدودیت منابع به کارکنانی بی‌انگیزه و پیرو تبدیل کند. این تحول عملکرد و اهداف سازمان‌های زمین‌شناسی مدرن را از طریق فرسایش استعدادها، سرکوب نوآوری، تضعیف اعتبار و ترویج ناکارآمدی تضعیف می‌کند.

با توجه به چالش‌های ناشی از سیستم‌های اداری ایدئولوژیک و فقدان انگیزه و دانش حرفه‌ای در سازمان‌های زمین‌شناسی، می‌توان راهبردهای متعددی را برای افزایش کارایی و اطمینان از تولید اطلاعات درست، شفاف و دقیق در نظر گرفت:

- **توسعه و آموزش حرفه‌ای:** سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزشی و توسعه حرفه‌ای مستمر می‌تواند به ارتقای مهارت‌ها و دانش کارکنان در سازمان‌های زمین‌شناسی کمک کند. این برنامه‌ها می‌توانند تخصص فنی، روش‌های علمی، مهارت‌های ارتباطی و استانداردهای اخلاقی را پوشش دهند. با توانمندسازی کارکنان با شایستگی‌های لازم، سازمان‌ها می‌توانند ظرفیت خود را برای تولید اطلاعات باکیفیت و قابل اعتماد بهبود بخشند.

- **استخدام و ارتقای مبتنی بر شایستگی:** اجرای فرایندهای استخدام و ارتقای شفاف و مبتنی بر شایستگی می‌تواند به کاهش تأثیر ملاحظات سیاسی کمک کند و اطمینان حاصل کند که پست‌ها بر اساس صلاحیت‌ها و شایستگی‌ها به جای وفاداری پر می‌شوند. این می‌تواند نیروی کار باانگیزه و حرفه‌ای‌تر را با تمرکز بر دستیابی به مأموریت و اهداف سازمان پرورش دهد.

- **خودمختاری و استقلال:** ارتقای خودمختاری و استقلال در سازمان‌های زمین‌شناسی می‌تواند متخصصان را قادر کند تا کار خود را بدون دخالت یا فشار سیاسی ناروا انجام دهند. ایجاد مکانیسم‌هایی برای حفاظت از استقلال سازمان، مانند دستورات روشن، پادمان‌های سازمانی و حمایت از افشاگران، می‌تواند به محافظت در برابر برنامه‌های ایدئولوژیک و ترویج تولید اطلاعات بی‌طرفانه کمک کند.

- **همکاری و شبکه‌سازی:** تسهیل همکاری و شبکه‌سازی با همتایان بین‌المللی، مؤسسات دانشگاهی، سازمان‌های تحقیقاتی و جامعه مدنی می‌تواند فرصت‌های ارزشمندی را برای تبادل دانش، ظرفیت‌سازی و قرارگرفتن در معرض بهترین شیوه‌ها فراهم کند. با تعامل با ذی‌نفعان مختلف، سازمان‌های زمین‌شناسی می‌توانند به منابع، تخصص و شبکه‌های پشتیبانی دسترسی داشته باشند که می‌تواند اثربخشی و اعتبار آنها را افزایش دهد.

- **مشارکت عمومی و شفافیت:** ترویج شفافیت و تعامل با مردم می‌تواند اعتماد و اعتبار را در کار سازمان‌های زمین‌شناسی افزایش دهد. این می‌تواند شــامل انتقال فعال یافته‌ها، روش‌شناســی و عدم قطعیت‌ها به مردم، درخواست بازخورد و نظرات از ذی‌نفعان و فراهم‌کردن راه‌هایی برای بررسی و پاسخ‌گویی عمومی باشد. با پرورش فرهنگ باز و شفاف، سازمان‌ها می‌توانند اعتماد عمومی را در کار خود ایجاد کنند و تصمیم‌گیری آگاهانه را ارتقا دهند.

- **تنوع و گوناگونی منابع مالی:** تکیه و وابستگی صرف به بودجه دولتی می‌تواند سازمان‌های زمین‌شناسی را در برابر نفوذ سیاسی و محدودیت‌های بودجه‌ای آسیب‌پذیر کند. بررسی منابع مالی جایگزین، مانند مشارکت‌های بخش خصوصی، حمایت‌های بشردوستانه و کمک‌های مالی بین‌المللی، می‌تواند ثبات و استقلال مالی بیشتری را فراهم کند. متنوع‌کردن منابع مالی همچنین می‌تواند اتکا به ادارات ایدئولوژیک را کاهش دهد و تداوم عملیات را تضمین کند.

با اجرای این راهکارها برای مقابله با این چالش‌ها، برای ذی‌نفعان در این کشورها، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و بخش خصوصی، ضروری است که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری در اولویت قرار گیرد. ارتقای شفافیت، پاسخ‌گویی و استقلال علمی نیز می‌تواند به کاهش تأثیر سیستم‌های اداری تمامیت‌خواه بر بررسی‌های زمین‌شناسی کمک کند. علاوه بر این، تقویت همکاری‌ها و مشارکت‌های بین‌المللی می‌تواند فرصت‌هایی را برای به اشتراک‌گذاری دانش، ظرفیت‌سازی و دسترسی به منابع و تخصص فراهم کند و به پرکردن شکاف بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در زمینه زمین‌شناسی کمک کند. سازمان‌های زمین‌شناسی می‌توانند بر چالش‌های ناشی از سیستم‌های اداری ایدئولوژیک و کمبود انگیزه و دانش تخصصی فائق آیند و از این طریق کارایی خود را افزایش داده و به وظیفه خود در تولید اطلاعات شفاف و دقیق به نفع کشور عمل کنند. مهم‌ترین تفاوت یک سازمان زمین‌شناسی مدرن در یک کشور توسعه‌یافته و سازمان زمین‌شناسی در کشورهای در حال توسعه از جهان سوم همچون سازمان زمین‌شناسی ایران در اولویت‌های وظیفه، انتظارات، مأموریت‌ها و روش‌های مدیریتی آنهاست که تحت تأثیر عواملی مانند سیستم‌های حاکمیتی، در دسترس بودن منابع، زیرساخت‌های فناورانه و اجتماعی است:

۱- اولویت‌های کاری و انتظارات

- کشــورهای توسعه‌یافته اغلب بررسی‌های جامع زمین‌شناسی، تحقیقات و مدیریت منابع را برای حمایت از توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست و کاهش خطر در اولویت قرار می‌دهند.
- در مقابل، با توجه به اتکای کشــور به ذخایر غنی معدنی و هیدروکربنی برای رشــد اقتصادی و ثبات ژئوپلیتیکی، سازمان زمین‌شناسی ایران ممکن است با اولویت‌های فوری‌تری مرتبط با استخراج منابع، امنیت انرژی و توسعه زیرساخت‌ها مواجه شود.

۲- مأموریت و اهداف

- سازمان‌های زمین‌شناسی در کشورهای توسعه‌یافته معمولا مأموریت‌های گسترده‌تری بر تحقیقات علمی، حفاظت از محیط زیســت و آموزش عمومی دارند. آنها ممکن اســت بر پایداری طولانی‌مدت، حفاظت از تنوع زیستی و سازگاری با تغییرات آب و هوایی تأکید کنند.
- مأموریت سازمان زمین‌شناسی ایران ممکن است بیشتر به سمت دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت اقتصادی و استراتژیک مانند به حداکثر رساندن استخراج منابع، ارتقای رشد صنعتی و حمایت از توسعه زیرساخت‌ها برای افزایش تاب‌آوری و امنیت ملی باشد.

۳- روش‌های مدیریت

- در کشورهای توسعه‌یافته، سازمان‌های زمین‌شناسی اغلب با سطح بالایی از استقلال، استقلال حرفه‌ای و شفافیت فعالیت می‌کنند. فرایندهای تصمیم‌گیری معمولا بر اساس شواهد علمی، بررسی همتایان و مشاوره با سهامداران است.
- مدیریت سازمان زمین‌شناسی ایران ممکن است تحت تأثیر ملاحظات سیاسی، کنترل متمرکز و بخش‌نامه‌های از بالا به پایین باشد. تصمیم‌گیری ممکن است منافع سیاسی و اقتصادی را بر دقت علمی و مشارکت عمومی در اولویت قرار دهد.

۴- زیرساخت فناوری

- سازمان‌های زمین‌شناسی در کشورهای توسعه‌یافته به فناوری پیشرفته، تجزیه و تحلیل داده‌ها و ابزارهای مدل‌سازی برای انجام بررسی‌های پیچیده زمین‌شناسی، سنجش از دور و پایش محیطی دسترسی دارند.
- سازمان زمین‌شناسی ایران ممکن است به دلیل تحریم‌ها، همکاری‌های بین‌المللی محدود و چالش‌های تخصیص منابع با محدودیت‌هایی در زیرساخت‌های فناوری، در دسترس بودن داده‌ها و ظرفیت تحقیقاتی مواجه شود.

۵- همکاری بین‌المللی

- سازمان‌های زمین‌شناسی در کشورهای توسعه‌یافته اغلب درگیر همکاری‌های گسترده بین‌المللی، تبادل دانش و ابتکارات ظرفیت‌سازی با سایر کشورها، مؤسسات پژوهشی و سازمان‌های بین‌المللی هستند.
- ســازمان زمین‌شناسی ایران ممکن اســت به دلیل تنش‌های ژئوپلیتیکی، تحریم‌ها و محدودیت‌های سیاسی فرصت‌های محدودی برای همکاری بین‌المللی داشته باشد. این می‌تواند بر دسترسی به تخصص، بودجه و نوآوری‌های فناورانه تأثیر بگذارد.

در مجموع، در حالی که هر دو سازمان زمین‌شناسی چه در کشورهای پیشرو و چه در کشورهای در حال توسعه همچون ایران هدف مشترکی از پیشرفت دانش زمین‌شناسی و پشتیبانی از نیازهای اجتماعی دارند، تفاوت‌ها در اولویت‌ها، وظیفه، انتظارات، مأموریت‌ها و روش‌های مدیریتی آنها منعکس‌کننده زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فناوری گسترده‌تری است که در آن فعالیت می‌کنند.

بحران‌های گره‌خورده معاصر

چگونه تغییرات اقلیمی و بیماری‌های اپیدمی سلامت و توسعه را فروکاهیده‌اند

مهدی زارع

کنگره ملی تغییر اقلیم و سلامت با حضور اندیشمندان سراسر کشور در دانشگاه علوم پزشکی دزفول در روزهای نهم و دهم اسفندماه ۱۴۰۲ برگزار شد. در پی برگزاری موفق این کنگره در دزفول، وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مأموریت انجام مطالعات ملی تغییرات اقلیم و سلامت را به دانشگاه علوم پزشــکی دزفول واگذار کرد. دانشگاه علوم پزشکی دزفول یکی از جدیدترین دانشگاه‌های علوم پزشکی استان خوزستان و کشور است که زیر نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی فعالیت می‌کند. در ســال ۱۳۹۲، دانشکده علوم پزشــکی دزفول به دانشگاه علوم پزشکی دزفول ارتقا یافت. فعالیت‌های تحقیقاتی مرکز تحقیقات تغییر اقلیم و سلامت دانشگاه علوم پزشکی دزفول در بخش‌های مختلف کنگره ارائه شــد. در حوزه ارتقای تاب‌آوری نظام ســلامت بر کاهش آسیب افراد در معرض مخاطرات مرتبط با تغییر اقلیمی تأکید شد. در بخشی از پیام وزیر بهداشت برای این کنگره نیز آمده بود: «تغییرات اقلیمی بر سلامت زیست‌مندان تأثیر بسزایی دارد، گرم‌شدن زمین و رویدادهای شدید آب و هوایی می‌تواند بیماری‌های واگیر و غیرواگیر مرتبط با تغییرات اقلیم را افزایش دهد. همچنین، افزایش بلایا و حوادثی همچون سیل و خشک‌سالی نیز باعث صدمات جدی به سلامتی و زیرساخت‌های حیاتی شده است. افزایش هزینه‌های اقتصادی نیز قابل توجه است و همکاری جهانی برای کاهش اثرات این تغییرات الزامی است. ایجاد تاب‌آوری و توسعه سیاست‌های مبتنی بر علم می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد. در همین راستا اقدام شایسته مرکز تحقیقات تغییر اقلیم و سلامت دانشگاه علوم پزشــکی دزفول، در برپایی اولین کنگره ملی تغییرات اقلیم و سلامت، به عنوان یک دانشگاه پیشتاز رسالتی حیاتی در راستای مطرح‌کردن دغدغه‌ها و چالش‌های اصلی مرتبط با این مهم ایفا می‌کند». از مقالات این کنگره نکاتی به شرح ذیل به عنوان جمع‌بندی و دستاوردهای پژوهشی قابل طرح هستند:

اثرهای تغییر اقلیم بر سلامتی انسان‌ها نشان داده شده است. برخی از اثرها عبارت‌اند از امواج گرما: بیماری‌های قلبی-عروقی مانند ســکته. آلودگی هوا: سکته مغزی، بیماری قلبی، آسم، بیماری مزمن انسدادی ریه و سرطان ریه. تغییرات اقلیمی بزرگ‌ترین تهدید سلامتی است که بشریت با آن مواجه است و متخصصان بهداشت در سراسر جهان در حال حاضر با آسیب‌های بهداشتی ناشی از این بحران در حال گسترش مواجه‌اند. تغییرات اقلیمی به طرق مختلف بر زندگی و سلامت انسان اثر می‌گذارد. این ضروریات سلامتی -هوای پاک، آب آشامیدنی سالم، تأمین مواد غذایی مغذی و سرپناه ایمن- را تهدید می‌کند و این پتانســیل را دارد که چندین دهه پیشــرفت در سلامت جهانی را تضعیف کند. بیماری‌های غیرواگیر ســالانه ۴۱ میلیون نفر را می‌کشند که معادل ۷۴ درصد از کل مرگ‌ومیرها در جهان است. هر سال ۱۷ میلیون نفر قبل از ۷۰سالگی به دلیل بیماری غیرواگیر جان خود را از دست می‌دهند. ۸۶ درصد از این مرگ‌ومیرهای زودرس در کشورهای با درآمد کم و متوسط رخ می‌دهد. از کل مرگ‌ومیرهای غیرواگیر، ۷۷ درصد مربوط به کشورهای کم‌درآمد و متوسط است. بیماری‌های قلبی-عروقی بیشترین مرگ‌ومیرهای ناشی از بیماری‌های غیرواگیر با ۱۷,۹ میلیون نفر در سال را تشکیل می‌دهند. پس از آن سرطان‌ها (۹,۳ میلیون نفر)، بیماری‌های مزمن تنفسی (۴,۱ میلیون) و دیابت (۲,۰ میلیون ازجمله مرگ‌های ناشی از بیماری کلیوی ناشی از دیابت) قرار دارند. این چهار گروه از بیماری‌ها بیش از ۸۰ درصد از مرگ‌ومیرهای زودرس ناشی از بیماری‌های غیرواگیر را تشکیل می‌دهند.

دو بحران بزرگ جهانی زمان ما، تغییـــرات اقلیمی و اپیدمی بیماری‌های غیرواگیر، در هم تنیده شـــده‌اند. آنها دستاوردهای سلامت و توسعه و کیفیت زندگی را از بین می‌برند و بیشترین ضربه را به مردم فقیر و حاشیه‌نشین وارد می‌کنند. اقدام برای مدیریت هر دوی آنها باید در مداخلات هم‌افزایی که بتواند هر دو را مورد توجه قرار دهد، هماهنگ شــود. تغییرات اقلیمی در حال حاضر به روش‌های بی‌شماری بر سلامت اثر می‌گذارد، ازجمله مرگ و بیماری ناشی از رویدادهای شدید اقلیمی مکرر مانند موج گرما، توفان و سیل، اختلال در سامانه‌های غذایی، افزایش بیماری‌های مشترک انسان و دام و غذا، آب و... بیماری‌های منتقله از طریق ناقل و مسائل مربوط به سلامت روان.

روند تغییرات اقلیمی و شــدت آن در استان خوزستان نشان می‌دهد که ۸۸ درصد استان گرم‌تر، شش درصد سردتر و شش درصد بدون تغییر معنی‌دار است. بارش در هفت درصد استان افزایش، در ۶۷ درصد مساحت کاهش یافته و ۲۶ درصد استان تغییر معنی‌داری نشان نداده است. ۶۷ درصد استان خشک‌تر شده و ۳۳ درصد از مساحت استان تغییر معنی‌داری نداشت. از نظر رده خطر تغییرات اقلیمی ۱۹ درصد در کلاس متوســط، ۴۰ درصد در کلاس شــدید و ۴۱ درصد در کلاس بسیار شدید است. ارتباط بین گرم‌شدن کره زمین و تشدید خشکی در اکثر مناطق خوزستان با این مطالعات نشان داده شده است. بیابان‌زایی و فراوانی و شدت خشک‌سالی‌ها بیشتر شده است.

تغییرات اقلیمی و محیطی یکی از مهم‌ترین عوامل مهاجرت از شــهرهای در حال کوچک‌شــدن استان خوزستان است. تغییرات اقلیمی و محیطی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر روند مهاجرت دارد به نحوی که سلامتی ساکنان منطقه را تهدید می‌کند. تغییر اقلیم زیست‌پذیری انسان در این منطقه را به خطر انداخته و به‌طور فزاینده‌ای افراد بیشتری را متقاعد به مهاجرت کرده است. میل به بهبود کیفیت زندگی و دوری از روند تخریب محیط زیســت، انسان‌ها را به جابه‌جایی به خارج از شهرهای کوچک استان خوزستان متمایل کرده است. تغییرات اقلیمی و تخریب محیط زیست تأثیر قابل‌توجهی حتی بر مهاجرت به خارج از کشور دارد. این عوامل محیطی اثرهای مستقیم و غیرمستقیم دارند. با رسیدن به آستانه خطر، مردم به‌طور فزاینده‌ای متقاعد می‌شوند که شهرهای کوچک را ترک کنند. همچنین میزان اثر تغییرات محیطی در تشدید رکود اقتصادی، بی‌کاری، اعتیاد، فساد، خشونت، جنایات و اختلال در زیرساخت‌های شهری این منطقه، نشان از اهمیت اثرهای غیرمستقیم تغییرات اقلیمی و محیطی در مهاجرت مردم دارد.

در مورد مشکلات محیطی خوزستان در این کنگره بحث شد. ازجمله در نشستی مسئله سد گتوند مطرح و در مقالات مطرح شــد که آبگیری ســد گتوند به از بین رفتن زمین‌های کشاورزی منطقه و افزایش ۲۵ درصدی شوری آب رودخانه کارون انجامیده است. به همین ترتیب خسارات کشاورزی ناشی از شوری رودخانه کارون، سالانه ده‌ها میلیارد تومان برآورد می‌شود. دلیل این موضوع وجود تپه نمکی به نام کوه عنبل (عنبر) در ۵ کیلومتری شمال محور جدید سد بود. سازندگان سد و وزارت نیرو مدعی شدند که موضوع قابل کنترل است و منکر مشکل شدند اما تنها پس از گذشت چند روز از آبگیری سد، در سال ۱۳۸۹ به دستور احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت تپه نمکی مزبور در آب سد به‌تدریج حل و وارد دریاچه سد گتوند شد. پتوی رسی که روی این تپه کشیده شده بود نیز بلافاصله تاب آبگیری را نیاورد. مهندس محمدزاده که در دولت دهم -دولت دوم احمدی‌نژاد- رئیس سازمان محیط زیست بود و خود دزفولی است، در این کنگره حاضر بود. او در توضیح تصمیم اتخاذشده در مورد سد گتوند گفت که «ابتدا محور سد ۲۰ کیلومتر در شمال محل کنونی آن بود. مهندسان شرکت آمریکایی هارزا در سال‌های قبل از انقلاب پیشنهاد کرده بودند که محور سد بالادست این توده کوه نمکی ساخته شود، وگرنه با زیر آب رفتن و انحلال این توده نمک در دریاچه مخزن، آب کارون شورتر خواهد شد. ۲۰ سال قبل از آبگیری و در اوایل دهه ۷۰، رئیس سازمان برنامه و بودجه وقت در دولت مرحوم هاشمی مدعی شد که چنانچه محور سد ۲۰ کیلومتر پایین‌دست‌تر بیاید، سد مخزنی بزرگ‌تر خواهد داشت و به‌صرفه‌تر خواهد شد. به همین ترتیب و برخلاف نظر سازمان محیط زیست عمل کردند و حتی در دولت دهم نیز سازمان حفاظت محیط زیست از ابتدا تا انتهای موضوع آبگیری سد، با این کار ابراز مخالفت کرد ولی درنهایت دولت وقت -دولت دهم- رأی به آبگیری داد».

علم و جامعه

نوروز و شکفتن شکوفه

بهار را برای فرزندان این سرزمین پر از بذر دانایی کنیم

حسن فتاحی

نوروز

سال نو هم‌زمان با بیداری زاستار/ طبیعت آغازیده و همه‌جا رنگ و بوی تازه گرفته است. اگرچه سرزمین خوبمان، ایران، چهار فصل است؛ بهار را می‌توان در جای‌جای آن یافت. نه از آن روی که چهره طبیعت تغییر می‌کند، بلکه بهار برای ایرانی‌ها یادآور یکی از بلندترین ستون‌های فرهنگ این سرزمین کهن است؛ یادآور نوروز. یکی از دیپلمات‌های عالی‌رتبه پیشین کشورمان، فریدون مجلسی، درباره نوروز جمله ماندگاری گفته‌اند: «نوروز ســنت نیســت، فرهنگ است». و به‌راستی نوروز از درخشان‌ترین بخش‌های فرهنگی ایران است. چه خوب است که نوروز را که البته بخش تعطیلات آن تمام شــد، اما حال و هوای آن چه‌بسا تا میانه‌های اردیبهشــت ادامه دارد، هم‌زمان با شکفتن شکوفه‌های بهاری، به کاشــتن بذرهایی در مغز فرزندانمان کوشش کنیم. بهار و پس از آن، تابستان، دو فصلی هستند که زمین و زمان و آسمان و ایران، دست‌به‌دست هم می‌دهند تا انســان از زیر پایش گرفته تا آســمان بالای سرش سرمست شود و بیاموزد. شاید برای بزرگ‌ترها که غرق مشکلات اقتصادی هستند و بمباران دشواری‌ها لحظه‌ای آرامش برایشان نگذاشته، پیرامونشان جلوه‌ای نداشته باشد و حوصله نکننــد به برگ‌های تازه درختان و گربه‌های خرامان بنگرند؛ اما برای کودکان و نوجوانان سرشار از زیبایی و آموختنی است. در این یادداشت کوتاه می‌خواهم از خوانندگان دعوت کنم تا بهار و تابستان را پر از شکفتن شکوفه‌های دانش‌پروری برای کودکان کنند.

زمین

زمین در بهار گویی از خواب برمی‌خیزد. گویی سبزه‌ها و درختان و چمن‌ها آواز سر می‌دهند. زاستار/ طبیعت آواز خواندن را می‌آغازد. به این بیداری، صدای پرنــدگان را هم بیفزایید. اگر در شــهرهای بزرگی همچون تهران و اصفهان به سر می‌برید، دست کودکانتان را بگیرید، به بوستان‌ها بروید. گونه‌های زیادی از درختان و درختچه‌ها و گل‌های زینتی کاشته‌شده را خواهید دید. صدای جوی آب را در برخی بوســتان‌ها می‌توان شــنید. در کنار آن می‌توان گربه‌ها را دید که آماده می‌شــوند برای جفت‌گیری. صدای پرندگان را می‌توان شنید. حال با کودکان، درحالی‌که دیگر لباس‌های سنگین زمستانی بر تن ندارند، از آن زیبایی دانشِ پشت پرده ســخن بگویید. یا اینکه از آنها بخواهید خودشان بخوانند و بیاموزند و بعد برای شما روایت کنند. چرا در بهار درختان از خواب برمی‌خیزند. چه می‌شود که برگ‌های تازه می‌رویند. برگ‌ها و چمن‌ها و گل‌ها چگونه می‌رویند. به جواب‌های ساده و دم‌دستی بسنده نکنید. هم خودتان و هم کودکان را وادارید تا هرچه بیشتر بیاموزند. اگر پاسخ دادند پای فتوسنتز/ نورساخت در میان است، بخواهید تا بیشتر کندوکاو کنند و سازوکار آن را بگویند. بخواهید تا تمرکز کنند و به کلاغ‌ها بنگرند. سپس در خانه بیشتر درباره‌شان کنجکاوی کنند. بدین‌سان کودکان بدون تنش نمره و مدرسه، با زیباترین شکل ممکن دانش می‌آموزند.

آسمان

روی زمین، در هر چهار فصل آسمان شب زیباست. آسمان زمستان هیچ کم از آسمان تابســتان ندارد و هر نیم‌کره شکوه خودش را دارد؛ اما بهار و تابستان برای نپاهش/ رصد آسمان، به‌ویژه برای کسانی که اهل کوه و دشت و شب‌بیداری طولانی نیســتند، عالی است. هوا دلپذیر است و رفت‌وآمد به کناره‌های شهرها و روستاها و حتی برخی نپاهشــگاه‌های زاستاری/ رصدگاه‌های طبیعی بسیار آســان‌تر. بهار و تابستان فرصتی عالی اســت تا کودکان و نوجوانان با زیبایی‌ها و شگفتی‌های آسمان بالای سرشــان آشنا شوند. برای آغاز نیازی به تلسکوپ نیســت. کافی است دو چشم کنجکاو داشته باشــید. برای آغاز باید آسمان را خــوب دید و درباره‌اش کتاب خواند. می‌توان از ســایت‌هایی همچون آپارات و یوتیوب دوره درسی اخترشناسی آموخت و نقشه آسمان را شناخت. نخستین گام آموختن اخترشناســی کنجکاوی و شناخت آسمان است. اینکه سیاره‌ها و ستارگان و کهکشان‌ها و گیتی چیستند. برخی شهرها آسمان‌نما دارند و برخی شهرها تورهای رصدی. اگر هیچ‌یک را ندارید، کافی است به بیرون از شهر بروید. همین‌که زیر آسمان پرستاره باشید و تلاش کنید بدانید آنچه می‌بینید چیست، گام خوبی برای خودتان و کودکان است.

ایران

اگرچه اژدهای هفت‌سر اقتصاد پایش را روی گلوی مردم گذاشته و فریادرسی نیست؛ به تماشای ایران رفتن لذتی شگفت دارد. اگر این امکان را دارید تا در بهار و تابستان، به سفر بروید، دل به جاده بزنید. جای‌جای ایران دیدنی بسیار دارد. ایران سرزمینی کهن با تمدنی بلندبالاست. از روستای شش‌هزارساله کندوان در اردبیل تا بناهای شهربابک در کرمان. از نیشابور ایستاده در برابر دشمنان تا دزفول پر از زیبایی و شگفتی. اما شاید بد نباشد این را توضیح بدهم که ایران را چگونه باید دید. چندی پیش فردی نسبتا معروف و به قول خودش اهل قلم و باز به قول خودش صاحب جایگاه پژوهشی در چارچوب مرسوم کنونی ایران، درباره ایران عبــارت «تمدن خاکی» را به کار برده بود. جان کلامش این بود که تمدن ایران صرفا مبتنی بر تعداد بنای خاکی است و چیزی در چنته ندارد. بسیار بر او تاختند و من از ایشان دعوت کردم تا دیدگاهش را به شکل یک مقاله بنویسد تا امکان نقد کامل فراهم شود که البته پاسخ ندادند. اما این گفته ایشان برایم تلنگری بود که هوشیار شویم. اینکه چگونه برخی به‌عمد مایل‌اند تاریخ و تمدن چند هزارساله ایران را کوچک شمارند و آن را به سنگ و خاک فروبکاهند. از اندیشه ایشان در شگفت نشدم چون خاستگاه جهان‌بینی‌شان چه‌بسا نه بر ایران که بر باورهایشان استوار است؛ اما خطر اینجاست که این آموزه‌های نادرست و ایران‌ستیزانه را به دیگران بیاموزند. ســخن‌گفتن از کاستی‌ها و نزاری یک تمدن یک چیز است و ستیزه‌جویی با بُن‌مایه آن چیز دیگری است. ایران با چنین پیشینه فرهنگی و تمدنی‌اش حرف برای گفتن دارد و از قضا آن سنگ‌ها بناها و نقش‌ها و ستون‌ها و حتی کوه‌ها و دریاها حرف برای گفتن دارند. به زبان ساده اگرچه ایران زیر سم اشغالگران مغول و اسکندر بارها از اسب افتاد و برخاست؛ هرگز از اصل نیفتاد و نخواهد افتاد. شناختن و شناســاندن ایران و تاریخ بلندبالای آن امروزه وظیفه سترگ همگانی ماست. بهار و تابستان فرصتی دلپذیر است تا هر جا که توان مالی و امکان زمانی دارید، سفر کنید. ببینید و درباره‌اش بخوانید. در ایران حتی برخی روستاها به‌اندازه کتابی بزرگ در دل خود تاریخ دارند؛ حتی اگر برخی آن را سنگ و خاک ببینند. خوب است این رسالت را برای خودمان همچون لباسی فاخر بر تن کنیم که ایران را بشناسیم و به کودکان هم بشناسانیم. اگر امروز بدانند ایران کجاست، فردا که هرکدام‌شان گوشه‌ای از امور را در دست خواهند گرفت، دیگر ایران را «تمدن خاکی» نخواهند دید؛ بلکه نگین درخشانی خواهند دید که باید برای آزادی و آبادی و بالندگی آن کوشش کنند.